

دغدغه بانوان فعال محله
هدایت برای نوجوانان
نتیجه داد

خودباوری
دختران در
عرصه های
فرهنگی و هنری



عمر قلک عیدی ۱۳ روز بود

رونق فضای کسب و کار تا ۲ سال آینده

پای صحبت قدیمی های محله مشهد قلی
برای مرور خاطرات و آداب و رسوم نوروز

شادی در عین سادگی



پاسخ مسئولان به گلایه مردم از مشکلات زمین های بلا تکلیف در محله عامل

رونق فضای کسب و کار تا ۲ سال آینده

منطقه

۲



حسین برادران فرا اگر گذرتان به خیابان عامل افتاده باشد، در مسیر این خیابان، زمین های رها شده ای را می بینید که حاصل تخریب خانه های فرسوده در بافت قدیمی است؛ تخریبی که بانویب سازندگی بیشتر همراه بود، اما با گذشت چندین سال هنوز وضعیت این زمین ها معلوم نیست و در سرهایی برای اهالی ایجاد کرده است.

● زمین های خالی باعث ناامنی شده است

بیشترین مشکل ناشی از زمین های رها شده که در گوشه گوشه محله به چشم می خورد، ترس و ناامنی شبانه است. محمدرضا خاد میان، یکی از ساکنان محله، می گوید: بیشتر این زمین ها با دیوار منازل اهالی محصور شده اند و در فضایی تاریک و نیمه تاریک قرار دارند، حتی تصور چنین مکانی وحشت ایجاد می کند. علاوه بر آن چیزی که باعث ترس و ناامنی بیشتر ساکنان محله شده، افزایش سرقت و زورگیری های شبانه است. خاد میان می گوید: سارقان که بیشترشان معتاد هستند با مخفی شدن در تاریکی این زمین های رها شده، از عابرن زورگیری می کنند. حتی یکی دومی زورگیری همراه ضرب و جرح نیز رخ داده که خوشبختانه با داد و فریاد و حضور اهالی، سارق مجبور به فرار شده است.

● بلا تکلیفی چندین ساله مالکان

به گفته اهالی، چندین سال است که زمین های مذکور برای شهرداری خریداری شده، اما تاکنون هیچ اقدامی در باره سامان دهی آن ها انجام نشده است. محمد جوادیان، یکی دیگر از ساکنان این محله، می گوید: تاجایی که ما می دانیم، خریداری، تخریب و پاک سازی بیشتر خانه های بافت فرسوده عامل به پایان رسیده است و فقط خریداری قطعات بسیار کوچکی که عمدتاً هم تک و تک مغازه های قدیمی حاشیه خیابان هستند، باقی مانده است. اگر قرار است که این مغازه های خریداری و تخریب شود، چرا شهرداری این کار را انجام نمی دهد؟ اگر هم

● درخواست ساخت پارکینگ یا زمین ورزشی موقت

اهالی برای استفاده بهینه از این زمین های رها شده و کم شدن خطر ناامنی آن ها پیشنهادهایی ارائه کرده اند. جعفر عظیم آبادی، یکی دیگر از اهالی محله عامل، می گوید: یکی از مشکلات مهم ما کمبود پارکینگ مناسب است. با توجه به وجود مراکز و مغازه های تجاری در حاشیه خیابان و وسیل مراجع کنندگان از گوشه و کنار محلات شهر، همیشه با کمبود پارکینگ مواجه هستیم. پیشنهاد ما این است که تا زمان ساخت پروژه های تجاری، بخشی از این زمین ها را به پارکینگ موقت تبدیل کنند؛ هم درآمدزایی دارد و هم امنیت محله بیشتر می شود. عظیم آبادی در ادامه با اشاره به کمبود زمین ورزشی در محله می افزاید: تعدادی از این زمین های رها شده، قطعات بزرگ چند هزار متری هستند و با نصب چند تیر دروازه و فنس کشی به راحتی می توان از آن ها استفاده کرد.

● قرار نیست جای دیگری خریداری و تخریب شود، چرا تکلیف زمین ها را مشخص نمی کنند؟

او ادامه می دهد: گویا قرار این بوده است که با مشارکت مردم در بخشی از این زمین ها مجتمع های تجاری ساخته شود. تعدادی از مالکان زمین های آزاد شده، پول ملک خود را گرفته و در محله دیگری ساکن شده اند، اما هنوز هم کسانی هستند که به امید ساخت مجتمع تجاری، ملک خود را در اختیار شهرداری قرار داده اند. متأسفانه تاکنون به دلایل مختلف، ساخت این مجتمع های تجاری انجام نشده است. مالکان نیز سرگردان هستند و تاکنون جواب درست و حسابی به آن ها داده نشده است.

● پروژه های پیشران در بافت فرسوده عامل

سادات با اشاره به انواع پروژه های موجود در این طرح بزرگ شهری می گوید: بخشی از پروژه های آن مثل مدرسه تثبیت شده است. یک بخش آن، پروژه تجاری-مشارکتی «رضا» است که از سال ۱۳۹۰ کلید خورد و با مسال بخشی از آن به بهره برداری رسیده است. دو پروژه پیشران تجاری-مسکونی ترمه و حریر نیز در دست اجرا داریم. این پروژه ها به عنوان محرک اقتصادی و قبل از حضور سرمایه دار از طریق فروش اوراق مشارکت از سال ۱۳۹۹ شروع شده است و سال ۱۴۰۴ افتتاح خواهند شد. او ادامه می دهد: پروژه حریر دارای دوازده سقف در ۲۴ هزار متر و با ۸۸ واحد مسکونی و ترمه دارای ۹ سقف در ۱۷ هزار متر با ۷۸ واحد مسکونی است. علاوه بر این ۳۴ واحد تجاری در پروژه حریر و شش واحد تجاری بزرگ مقیاس در پروژه ترمه ساخته می شود. هدف از راه اندازی این مغازه های تجاری، رونق فضای کسب و کار در محله عامل است. پیش بینی می کنیم که در پروژه حریر و ترمه، بازارهای مناسبی برای اصناف کرک و پرده ایجاد شود.

● ساخت مجموعه فرهنگی ورزشی ۳۰۰۰ متری

مدیر طرح نوسازی بافت فرسوده عامل با بیان اینکه در ابتدای کار، پروژه مساحتی ۶۴ هکتاری را در بر می گرفت، می گوید: این پروژه با عنوان بافت نا کارآمد شهری تعریف شده بود. سید مهدی سادات در تعریف بافت فرسوده بیان می کند: کوچه های باریک و بنا های غیر استاندارد، پوسته شهری نامناسب و مغایر با ضوابط و مقررات شهری از مشخصات این بافت نا کارآمد است. در سالی که گذشت، این طرح بازنگری و در بازمینی نهایی ۶۳ هکتار از اراضی محله برای ساخت ۲۹ پروژه شهری تعریف شد. تاکنون هشتاد درصد تملک انجام شده است؛ بخشی از املاک خریداری شده و در قبال بخشی زمین معادل واگذار شده است. او ادامه می دهد: بیشتر املاک باقی مانده تک پلاک هایی است که در حاشیه پروژه های محور عامل قرار دارد. از ابتدای فعالیت شورای ششم، مساحت پروژه مورد بازنگری مجدد کارشناسان قرار گرفت و مرزهای پروژه با هماهنگی مشاور طرح تفصیلی و دبیر کمیسیون ماده ۵ بازنگری شد. با توجه به شرایط اقتصادی امروز با در نظر گرفتن صلاح شهرداری و مردم، پروژه های بزرگ به پروژه های کوچک تر تبدیل شد.

● شهرداری مالک زمین ها نیست

رئیس ناحیه یک منطقه ۲ در این باره می گوید: این زمین ها تماماً در اختیار مدیریت پروژه عامل و در بافت فرسوده محله قرار دارد و شهرداری هیچ گونه اختیاری در باره آن ها ندارد. پرهام تقویان می افزاید: هر کاری که قرار باشد در این زمین ها انجام شود، باید با مسئول بافت فرسوده عامل هماهنگ شود. البته ما توانستیم این زمین ها را برای اختصاص به ورزش فنس کشی کنیم.



● مشکلات اهالی را پیگیری می کنیم

سید مهدی سادات در ادامه می گوید: به اهالی حاشیه عامل و کسانی که در کوچه های مجاور هستند و از این محل رفت و آمد می کنند، حق می دهیم که گلایه مند باشند و برای بهتر شدن اوضاع، اقدامات مختلفی انجام شده است. از یک سال و نیم قبل که بنده مدیریت بافت فرسوده عامل را بر عهده گرفته ام، به صورت



خدماتی چند منظوره ورزشی، فرهنگی و مذهبی نبش ضلع جنوبی چهارراه کاشانی می گوید: این پروژه چند منظوره ۳ هزار متری با محوریت مسجد در آینده به اجرا خواهد رسید. او در باره فنس کشی دور زمین و اختصاص آن به ورزش و فعالیت های فرهنگی بیان می کند: در صورت ساخت سازه موقت و دیدن هزینه سنگین، ما آماده همکاری با شهرداری منطقه، سازمان فرهنگی و سازمان میدانی هستیم و زمین مناسب را به صورت موقت در اختیار آنان قرار خواهیم داد.

کاشانی و چهارراه عامل، از دیگر اقدامات ضربتی بود که انجام شد و طی چند روز گذشته، شاهد بازگشایی چهارراه کاشانی بودیم. این اقدام رشد شهرسازی و تحرک اقتصادی را در این محله به دنبال خواهد داشت. او یادآور می شود: تملک ۱۹۰۰ متر زمین های حاشیه با هزینه ۱۳۰ میلیارد تومان انجام شد و امیدواریم با کامل شدن کار تملک، ساخت پیاده روها، اصلاح و نصب چراغ های حدفاصل چهارراه عامل تا چهارراه کاشانی تا سال ۱۴۰۴ انجام شود. سادات با اشاره به اجرای یک پروژه

روزانه و هفتگی، جمع آوری زباله و نخاله های گوشه و کنار محله انجام شده است. او ادامه می دهد: در این مدت، ۱۲۰۰ متر مکعب تسطیح خاک و ۱۶۰۰ متر مکعب گراو به ریزی صورت گرفته است. در باره تاریکی و تأمین روشنایی خیابان ها با شرکت برق مکاتمه می کنیم. در این راستا بارها نامه نوشته ایم و انصافاً نیز خوب همراهی کرده اند. اما شرکت برق هم از نظر اعتباری محدودیت دارد. سادات می افزاید: خیابان سازی حدفاصل چهارراه

منطقه ۲

سید علی حسین پور به دیگر اقدامات منطقه در حوزه فضای سبز اشاره کرد و گفت: بیش از ۴۵۰ هزار بوته گل فصلی و ۱۳ هزار و ۶۴۴ گل دائم کاشته شده است.

شهردار منطقه ۲ ضمن قدردانی از شهروندان مشارکت جواز آنان خواست بارعایت اصول ایمنی و حفاظت از ابنیه و مبلمان شهری ضمن کاهش هزینه های شهر، شهرداری را در حفظ و نگهداری از شهری همیشه پاکیزه کمک کنند.



جنب و جوش اداره فضای سبز منطقه در پایان سال

شهردار منطقه ۲ مشهد از اجرای برنامه های استقبال از بهار در حوزه اداره فضای سبز این منطقه خبر داد.

سید علی حسین پور با بیان اینکه رنگ آمیزی ابنیه شهری سبب آراستگی جلوه شهر می شود، افزود: این عملیات در راستای زدودن آلودگی های محیطی و زینت بخشی به مبلمان های شهری در طرح اقدامات اجرایی استقبال از بهار ۱۴۰۳ اجرایی شده است.

او ادامه داد: همه ساله با نزدیک شدن به فصل بهار و سال جدید، همه معابر و ابنیه شهری بازسازی و نونوار می شود، در راستای اقدامات اجرایی استقبال از بهار ۱۴۰۳ با تلاش و همت همکاران فضای سبز منطقه تاکنون بیش از ۳ هزار و ۸۰۰ متر عمود روشنایی، ۷۰۹ سطل زباله، وسایل بدن سازی پارکی، رنگ آمیزی و رفع نقص شد.

شهردار منطقه در ادامه افزود: بیش از ۷۹۵ متر مربع از چمن ها لکه گیری و بیش از ۱۷ هزار متر مربع از فضای سبز بستر سازی و آماده کاشت گل های فصلی شد.

منطقه ۱

رنگ آمیزی مبلمان پارکی

رفع کمبودها و مشکلات در بوستان ها از اقداماتی است که تا پیش از فرارسیدن بهار به سرعت در حال انجام است. رنگ آمیزی ۵ هزار و ۷۰۰ مبلمان شهری در بوستان هادر همین راستاست.

شهردار منطقه یک در این باره گفت: با توجه به نیاز مردم، رفع نقص و رنگ آمیزی لوازم پارکی در بوستان ها در حال انجام است. رنگ آمیزی ۸۷۵ نیمکت، ۲۱۲ عدد از وسایل بدن سازی، شانزده پایه فلزی لوازم بازی از آن جمله است. شهردار منطقه یک، اجرای عملیات رفع نقص و رنگ آمیزی عمود روشنایی را دیگر پروژه ای

دانست که در راستای طرح استقبال از بهار اجرایی شده است و گفت: بیش از ۴ هزار و ۲۰۰ عمود در بوستان های خطی منتظری، مالک اشتر، هجرت، افرا و... تا پایان سال رنگ آمیزی و ترمیم خواهد شد.

به گفته وی عملیات رفع نقص و ساب زنی آب نماها در فضایی بالغ بر ۲ هزار و ۳۰۰ متر مربع در آیلند بعثت- منتظری (خطی منتظری)، آیلند خیابان دانشگاه، بوستان گل سوسن و همچنین ترمیم ۳۲ آبخوری در بوستان مالک اشتر از جمله دیگر اقداماتی است که از سوی اداره فضای سبز منطقه یک تا پایان سال اجرایی می شود.

پویش کاشت گل با مشارکت تعدادی از ورزشکاران از گروه های مختلف سنی در بوستان مهر و ماه واقع در بولوار ارشاد برگزار شد.

در حاشیه برگزاری این ویژه برنامه که با هماهنگی معاونت فرهنگی و اجتماعی، اداره فضای سبز و روابط عمومی این منطقه اجرا شد، جمعی از کودکان و نوجوانان ورزشکار این منطقه نیز به اجرای ورزش های سنتی و زورخانه ای پرداختند که با استقبال خوبی از سوی شهروندان روبه رو شد.

گل کاری به دست ورزشکاران

پویش کاشت گل های بهاری با مشارکت ورزشکاران در راستای استقبال از بهار در بوستان مهر و ماه منطقه یک اجرا شد.

با هدف خلق جلوه های بصری چشم نواز و طراوت بخشی به محیط شهری و ایجاد نشاط در بین شهروندان، هم زمان با فرارسیدن فصل زیبای بهار این پویش در منطقه به اجرا درآمد.

منطقه ۲

شهرداری منطقه قرار گیرد. او با اشاره به فعالیت شور، ابرای رفع مشکلات فرهنگی و اجتماعی گفت: با پیگیری شور از طریق معاونت فرهنگی شهرداری منطقه، کلاس های مشاوره با موضوع خانواده و کمک به ترک اعتیاد در محله برگزار و با استقبال خوب اهالی روبه روشد.

حبوبی افزود: یکی از ساکنان محله، تدریس در این دوره ابر عهده داشت و آن طور که بنده اطلاع یافتیم، کلاس های مشاوره تأثیر مثبتی داشته است و تعدادی از زوج ها که در آستانه طلاق قرار داشته اند، به توافق ضمنی دست یافته اند و این موضوع برای ما بسیار خوشحال کننده است.

ما امیدواریم که از طریق توافق با مالک و خرید زمین از سوی شهرداری بتوانیم بوستان محلی راه اندازی کنیم. او ادامه داد: دیگر مشکل محله، نداشتن فضای ورزشی مناسب است. مهم ترین مانع هم نبود زمین مناسب برای ساخت مجموعه ورزشی است. البته با پیگیری های شور و تجهیز تعدادی از مساجد محله به وسایل ورزشی تا حدودی این کمبود جبران شده است. امیدواریم با تجهیز دیگر مساجد محله از سوی شهرداری این مشکل نیز رفع شود.

حبوبی در ادامه گفت: آسفالت معابر هنرور بسیار فرسوده است و امیدواریم رفع این مشکل در اولویت برنامه های

حتی یک فضای سبز یا بوستان محلی کوچک وجود ندارد و اهالی برای استراحت، تفریح و سرگرمی مجبورند به محلات مجاور بروند. علی حبوبی ادامه داد: ساخت بوستان محلی از جمله درخواست های همیشگی اهالی این محله بوده است. مانیز در شور پیگیر بودیم اما متأسفانه به دلیل تراکم جمعیت و مسکونی بودن محله، زمین خالی و مناسب برای ساخت بوستان پیدا نشد. شهرداری منطقه هم اعلام کرد زمینی در حد و اندازه یک پارک محلی ندارد. با وجود این پیگیری ها ادامه یافت و قطعه زمینی در انتهای هنرور شناسایی شد که مالک شخصی دارد.

حسین برادران فرا در ماه های آخر سال که گذشت، با رؤسای شوراهای اجتماعی محلات منطقه یک و گفت و گو کردیم. این افراد از دغدغه های شان و گام هایی که برای رفع مشکلات برداشتند، گفتند. این بار سراغ علی حبوبی، رئیس شورای اجتماعی محله هنرور، رفتیم و نظر او را در باره مهم ترین مشکلات محله و نقش شورادر برطرف کردن آن ها جویا شدیم.

رئیس شورای اجتماعی محله هنرور با اشاره به مهم ترین مشکل محله گفت: با وجود وسعت و جمعیت چندده هزار نفری ساکن در محله هنرور، متأسفانه در این محدوده

رئیس شورای اجتماعی محله هنرور از مشکلات این محدوده می گوید

دریغ از یک وجب فضای سبز!



مشهد قلی، نوده و... هستند، می رسانند. امسال دهمین سالی است که این اتفاق به همت خیران رقم می خورد. خیران هیئات مذهبی سنتی این روزها شبانه روزی مشغول بسته بندی بسته های معیشتی هستند. ۲ هزار و ۴۰۰ بسته شامل سی قلم کالا، از گوشت و مرغ و میوه گرفته تا حبوبات و شکلات و ما کارونی و... است. هر بسته یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان ارزش ریالی دارد و در مجموع حدود ۴ میلیارد تومان برای این کار خیر هزینه شده است. مسئولان هیئت ها افراد محروم را شناسایی می کنند و بسته ها را به دستشان می رسانند. یک ماه مانده به نوروز ۱۰ نفر از هیئتی ها اقلام را خریداری کردند و اکنون دو بیست نفر مشغول بسته بندی و توزیع این اقلام هستند.

محبوبه فرامرزلی این روزها بوی بهار از هر کوی و برزنی به مشام می رسد. بهار قرآن با بهار طبیعت هم زمان شده و حال و هوای خاصی به شهر بخشیده است. بسیاری از مردم خوشحال اند و با شوق به استقبال سال نومی روند، اما برخی از خانواده ها به خاطر مشکلات مالی در تهیه دم دستی ترین مواد غذایی درمانده اند و این موضوع باعث شده است شور و شوقی برای آمدن بهار نداشته باشند. در این بین هیئت های مذهبی سنتی شهر آستین بالا زده اند و منتظر کمک هیچ ارگان و نهادی نمائنداند. آن ها ۱۰ سال است بین خودشان پول جمع می کنند و بسته های معیشتی در خوری را به خانواده های بی بضاعت که بیشترشان ساکن محلات کم برخوردار و چون اسماعیل آباد،

برای دهمین سال پیاپی

توسط هیئات مذهبی سنتی انجام شد

توزیع بسته های معیشتی نوروزی



پای صحبت قدیمی های محله مشهدقلی
برای مرور خاطرات و آداب و رسوم نوروز

شادی در عین سادگی



منطقه
۴

به گفته سکینه خانم بعد از آن، نوبت شستن قالی ها و پلاس های خانه بود، آن سال هاجر خانه دارای دو اتاق بود، یکی اتاق نشیمن و دیگری پستوی خانه بود که نقش آشپزخانه و تاحدودی انباری را هم داشت. اتاق خواب و میهمان و اتاق کودک وجود نداشت. همه میهمانی ها و رفت و آمدها نیز در همان یک اتاق انجام می شد. کف آن نیز بادوسه تا قالی یا پلاس کوچک دودر دو یا دودر یک متر پوشیده می شد. خبری از فرش های دوازده متری امروز نبود. چند روز مانده به عید، مردها این قالی و پلاس ها را جمع می کردند و با گاری یا الاغ به لب جویی که از قنات می آمد، می بردند. سکینه خانم روزهایی را به خاطر می آورد که زن های محله کنار جوی پلاس می شستند و با هم حشر و نشر می کردند، همه زن های محله برای شستن قالی و پلاس حاضر بودند. همان طور که قالی ها را می شستند با هم صحبت و گفت و گو هم می کردند. این روز باشادی و خنده سپری می شد. آن طور که این قدیمی محله مشهدقلی می گوید، بعضی از خانواده ها دو قالی پشمی دست باف داشتند که سالی یک بار آن هم در ایام نوروز و برای میهمان های نوروزی استفاده می کردند. این قالی ها از اول فروردین در خانه پهن بود تا میهمان ها را روی آن بنشینند. این کار نشانه احترام ویژه به میهمانان بود. عید که تمام می شد، دوباره آن را جمع می کردند لای ملحفه ای می پیچیدند و در گوشه خانه می گذاشتند تا سال بعد.

یکی از رسوم می که تا پنج دهه قبل در مشهد وجود داشت، رسم کوزه شکستن بود. سکینه علی زاده در توضیح این رسم می گوید: انجام این رسم بر عهده خانم های خانه بود. بعد از آنکه همه ظرف و ظروف خانه را ب جوی شستند، کوزه ای قدیمی را پر از آب می کردند، روی پشت بام می رفتند و کوزه را داخل کوزه می انداختند و می شکستند. اعتقاد بر این بود که با شکستن این کوزه، همه غصه ها از خانه بیرون می رود. در زمان اجرای این مراسم، خانم خانه آیاتی از قرآن و ادعیه را می خواند و از خدای خود خواست که سال آینده سالی پراز سلامتی و به دور از غم و غصه برای خانواده اش باشد.

حسین برادران فرا کنار هم نشسته اند و از خاطرات نوروزهای گذشته حرف می زنند، در باره مراسم سمنوپزان که به دست دختران و زنان محله اجرا می شد. عید دیدنی هایی که پیر و جوان، قوم و همسایه به دیدار هم می رفتند. حالا خبری از آن سادگی ها، صمیمیت ها و عید دیدنی های محله ای و دسته جمعی نیست. این روزها خیلی ها حتی برای عید دیدنی های خانوادگی دنبال بهانه ای برای نرفتن هستند، چه برسد به اینکه سری به همسایه ها بپوشان در محله بزنند. پای صحبت قدیمی های محله مشهدقلی نشستیم و آن ها از نوروزهای گذشته گفتند.



● قالی هایی که سالی ۱۳ روز پهن می شد

هر چند خانه تکانی هنوز هم پیش از آمدن نوروز در اکثر خانه ها انجام می شود، سکینه علی زاده هفتاد و سه ساله از این سنت دیرینه ماجراهای جالبی برای گفتن دارد. او می گوید: خانه تکانی رسمی بود که حتما باید انجام می شد. اعتقاد بر این بود که اگر انجام نشود سنگینی غم های گذشته در خانه می ماند و ساکنان آن در طول سال حال خوبی ندارند.

او ادامه می دهد: ابتدا مرد های خانه شکستگی و ریختگی دیوارها و طاق های خانه را که در اثر باد و باران زمستان ایجاد شده بود، تعمیر می کردند؛ بعد از آن زن های خانه به جان در و دیوارهای خانه می افتادند و آن ها را تمیز و بعد رنگ می کردند.



● «تیژ» زدن گندمها

سبزه انداختن و سمنوی پختن دورسم دیرینه نوری است که هنوز هم برقرار است. اما به گفته عذر ادرویشی در گذشته، شور و حال دیگری داشته است. عذر ادرویشی هفتاد سالش تمام شده است. او در باره چگونگی انداختن سبزه می گوید: هر سال در فصل گندم درو خانمها با جمع آوری خوشه های گندم رها شده در زمین، دسته ای درست می کردند. این دسته گندم به نیت انداختن سبزه عید در خانه نگهداری می شد. ده دوازده روز مانده به عید، خوشه ها کوبیده می شد و گندم ها را داخل ظرف مسی می ریختند و آب می دادند. درست کردن سبزه را یک نفر در خانه به عهده داشت. این فرد هنگام انداختن سبزه به آرزویی که در دلش داشت مثل ازدواج یا بچه دار شدن فکر می کرد. در همان حال با خدا را از نیازی می کرد. عذر خانم در ادامه می گوید: اگر این سبزه به خوبی رشد می کرد و تار و تار سبزه به در شاداب و سر حال بود، این طور تصور می شد که آن فرد به آرزویش می رسید و اگر این طور نمی شد و سبزه زرد و زار بود، نشانه نرسیدن به آرزو در سال جدید بود. به گفته عذر خانم تصور اهالی این محله که همه کشاورز بودند، این بود که اگر سبزه گندم شاداب و پر پشت شود، سالی پر برکت برای کشاورزی است و مردم از این بابت خیلی خوشحال می شدند.

عذر ادرویشی درباره سمنوی پختن هم می گوید: به طور معمول، بانای اصلی این کار یکی از خانم های خوش سلیقه و کدبانوی محله بود. اگر این بانو سید هم می بود، دیگر نور علی نور می شد. این خانم چند روز قبل از پختن سمنو، گندم ها را می گذاشت تا «تیژ» بزند یا به اصطلاح سبزه شود. بعد از تیژ زدن گندم ها خانم های محله را خبر می کردند و زود در منزل او جمع می شدند. گندم شسته و آب گیری شده و مواد در دیگ بزرگی ریخته می شد. بعد از آن عمل آوری و پختن شروع می شد. سمنوی پخته شده بین همه زنان حاضر و اهالی تقسیم می شد.



● توجه به همسایه ای که دیگش چپه شده بود

آن سال هم محتویات سفره های عید در کنار سادگی یک ویژگی دیگر هم داشت. آن هم این بود که اغلب دسترنج و تولید خود اهالی بود. علی محمد ابراهیمی هشتاد و دو ساله است. او می گوید: در کنار شیرینی که معمولاً یک نوع بیشتر نبود، خرما، نخودچی و کشمش، برگه زرد آلو، برگه سیب و قیسی نیز به چشم خورد. کشمش ها معمولاً ته مانده همان انگورهایی بود که در فصل پاییز در پستوی خانه به نخ کشیده می شد. انگورهای تازه در زمستان و شب پلدا خورده می شد و بقیه که تبدیل به کشمش شده بود، زینت بخش سفره عید بودند.

ابراهیمی ادامه می دهد: سیب بهترین میوه سفره عید بود، در پاییز چیده و در محل سردی نگهداری می شد. برگه سیب و زرد آلو هم تولید باغات و کار دست خانم ها بود. خبری از میوه های مدل به مدل حال نبود. تخمه خربزه، هندوانه، کدو و آفتاب گردان هم کار همین آجیل های رنگارنگ امروز می کرد. تهیه آن ها نیز دسترنج اهالی و کار خانم های خانه بود.

به گفته آقا علی محمد، اهالی فقط برای خانواده خود این سفره را نمی چیدند و به فکر اهالی فقیر محله نیز بودند. «محله مشهدقلی شصت هفتاد خانوار بیشتر نبود، همه یکدیگر را می شناختند و از حال و روز هم خبر داشتند. چند روز مانده به عید، چند نفر از اهالی، میوه، شیرینی و آجیل مفصلی تهیه می کردند. گاهی حتی در این خنجه، لباس و کفش هم بود. این وسایل برای خانواده هایی که «دیگشان چپه» شده بود، یعنی فقیر و بی بضاعت بودند، فرستاده می شد.»



● تهیه مقدمات چهارشنبه سوری

از دیگر رسومی که از چند دهه گذشته دچار تحولات و بدعت های زیادی شده، مراسم چهارشنبه سوری است؛ علی اکبر نودهی متولد سال ۱۳۱۶ است. او در این باره می گوید: از یکی دو روز مانده به شب چهارشنبه سوری، مقدمات این رسم با جمع آوری مقداری پوته، چوب و شاخه های خشک درختان فراهم می شد. یک ساعت مانده به غروب سه کوت (کپه) چوب و شاخه را وسط حیاط روی هم انباشته می کردند. بعد از غروب آفتاب و با تار یک شدن هوا کپه ها را آتش می زدند و منتظر می ماندند که شعله ها کم شود. حالانویت پریدن از روی کپه آتش بود. او ادامه می دهد: حین پریدن می گفتیم زردی من از تو، سرخی تو از من. این کار تا زمانی که آتش خاموش می شد، ادامه داشت. بعد از آن خاکستر آتش به حال خود رها می شد تا خاموش شود. اعتقاد بر این بود که خوب نیست شب روی آتش آب بریزی. دلیلش هم این بود که اعتقاد داشتند اگر در آن شب باران بارد و آتش را خاموش کند، سال پر خیر و برکتی خواهد بود و این باران را نشانه خوبی و فراوانی سال جدید می دانستند. در آخرین پنجشنبه سال، خانواده ها با حلوا، نخود، کشمش و خرما به سر مزار عزیزانشان می رفتند و برایشان خیرات می کردند. در واقع این مراسم نوعی دید و بازدید با گذشتگان بود.



● دو تومان عیدی اربابی به رعایا

به گفته قدیمی های حاضر در این جمع در گذشته دید و بازدید رفتن و عیدی گرفتن تنها مخصوص خانواده ها و بچه های اقوام نبود. عید دیدنی عمومی و همگانی بود. علی اکبر نودهی می گوید: همه اهالی محله مثل خواهر و برادر بودند. صبح اولین روز عید همه به خانه هم می رفتند. این دید و بازدید تا غروب همان روز و روزهای بعد ادامه داشت. عیدی معمول بچه های یک تخم مرغ پخته رنگی یا یک مشت نخودچی و کشمش بود. عصر که به خانه برمی گشتیم، همه جیب های شلوار و پیراهنمان پر از نخودچی و کشمش بود، طوری که تا چند روز آن ها را می خوردیم و در کوچه باغ های محله بازی می کردیم.

● شال اندازی برای جمع کردن آجیل

ملاقاتی، مهره اندازی و شال اندازی از دیگر رسوم محله در عیدهای گذشته بود که حالا دیگر اجرانی شود و فقط خاطره ای از آن باقی مانده است. سکینه علی زاده بایان خاطره ای درباره دیدن اولین شال اندازی در دوران کودکی اش می گوید: شال اندازی شب هنگام انجام می شد. افرادی بارفتن روی پشت بام از کاج (نورگیر خانه) شالی را اویزان می کردند. اهالی خانه شال را می گرفتند و پیر از آجیل و نخود و کشمش می کردند. او ادامه می دهد: بار اول که این رسم را دیدم، خیلی ترسیدم. وقتی از آشپزخانه وارد اتاق شدم، پارچه سفید بلندی را جلو چشمم دیدم. با گفتن بسم... جیغی کشیدم و به زمین افتادم. بعد از آنکه با کمک خواهرم به هوش آمدم، از چیز سفیدی که وسط اتاق دیده بودم، برایش گفتم. او با شنیدن این حرف، خندید و توضیح داد که این مراسم شال اندازی است.

با شروع جنگ تحمیلی، حال و هوای عید و دید و بازدیدها در محله مشهدقلی شکل دیگری به خود گرفت. علی اکبر نودهی می گوید: در دوره هشت ساله جنگ که بسیاری از مردان محله در جبهه و تعدادی از بهترین و مؤمن ترین جوان های محله شهید شده بودند، دیگر دل و دماغی برای عید و جشن گرفتن وجود نداشت. خیلی ها از جمله خانواده ما به احترام شهدای محله و خانواده هایشان، سفره هفت سین نمی چیدند و حتی لباس نونمی پوشیدند. آن ها یا همسایه ما بودند یا قوم و خویشان، ما هم به همان اندازه به خاطر شهادت فرزندان هادلمان گرفته بود و ناراحت بودیم. در آن عیدها رسم این بود که همه محله برای عرض سرسلامتی به خانه خانواده شهدا می رفتند و از آن ها دلجویی می کردند و به آن ها دلگرمی می دادند.

علی اکبر نودهی که خود از رزمندگان دوران دفاع مقدس است، سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۶ را در مناطق عملیاتی و جنگی گذرانده است. او می گوید: عید سال ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۶ بود. من جزو گردان توپخانه اهواز بودم. همه منتظر تحویل سال بودیم. در همین حال و هوای صداای شلیک چند توپ به گوشمان خورد. اول فکر کردیم عراقی ها حمله کرده اند. با سرعت خودمان را آماده دفاع کردیم. اما بعد از چند دقیقه فهمیدیم یکی از سربازهای جوان گردان توپخانه جوگیر شده و در لحظه تحویل سال نو چند گلوله توپ شلیک کرده است. تعجب ما از این بود که چرا عراقی ها مقابل به مثل نکرده بودند. مثل اینکه آن ها هم فهمیده بودند که عید است و عملیاتی در کار نبوده است، و گرنه در موقعیت های دیگر با شلیک یک گلوله تفنگ از سمت ما، تا چندین ساعت مواضع ما را گلوله باران می کردند.

به گفته محمد ابراهیمی افراد خاصی بودند که پول عیدی می دادند یکی از این افراد ارباب ده بود، «همه رعایای ارباب روستا، صبح زود به امارات اربابی که در قلعه بود می رفتند. ارباب نیز به هر کدام از رعایا دو تومان و به پسر بزرگ هر خانواده که همراهشان بود یک تومان عیدی می داد. این پول در هفتاد هشتاد سال قبل، ارزش زیادی داشت. آن طور که مرسوم بود، به جز بچه ها افراد دیگری مثل آرایشگر، حمامی محل و مشاوران ارباب از کسانی بودند که به دلیل خدماتشان از مردم عیدی می گرفتند. ابراهیمی می گوید: رسم این طور بود که مجمعی مسی را از میوه، آجیل، برنج پخته و گاهی پول و پارچه پرمی کردند و به نشانه تشکر از زحمات آن ها برای مردم در طول یک سال، هدیه می بردند.





دغدغه بانوان فعال محله هدایت
برای نوجوانان نتیجه داد

خودباوری دختران در عرصه های فرهنگی و هنری



فاطمه سیرجانی | کانون «حصان» یکی از پایگاه های فعال فرهنگی در محله هدایت است که به خوبی توانسته است دختران این محدوده را به خود جذب کند. این موضوع را می توان از آمدن و شد دختران به این کانون که در دل یکی از مساجد نوساز محله هدایت قرار دارد، فهمید. حدود یک و دو سال نیم است که از شروع فعالیت این

برنامه های ماه رمضان کانون حصان

نخستین شب ماه مبارک: چهل نفر از روزه اولی های دبستان فریده عطایی به کانون دعوت شدند و بعد از اجرای برنامه های شاد به آن ها هدایایی از طرف کانون داده شد. اجرای سرود، تلاوت قرآن و تفسیر آن به زبان کودکانه از برنامه های این شب بود.

سوم ماه مبارک: دختران سیزده تا شانزده ساله کانون به گلزار شهدای میدان شهدا رفتند و راوی جنگ برایشان صحبت کرد. بعد از آن هم مراسم افطاری ساده ای در کنار مزار شهدای گمنام برگزار شد.

روز شانزدهم ماه مبارک: دورهمی خانوادگی برای مادران ۲۵۰ مخاطب ثابت کانون برگزار خواهد شد. بدون حضور دختران، مادرها به کانون دعوت می شوند و در کلاس مشاوره شرکت می کنند.

روز بیستم ماه مبارک: سیدصد دانش آموز دختر دبیرستان حسین مولایی که در همسایگی مسجد قرار دارد، به کانون دعوت می شوند. کلاس آموزشی مهارت های زندگی برای دختران برگزار می شود و آن ها در ادامه پای سفره افطاری می نشینند.

برگزاری جشن برای دو بیست دانش آموز روزه اولی دبستان های شهید عبدی و عطایی، یکی دیگر از برنامه های ماه رضانی کانون برای دخترهاست. برگزاری این نوع برنامه ها باعث آشنایی دختران با کانون و جذب آن ها به آن خواهد شد.

کمک مؤمنانه، طرح دیگری است که باهدف آموزش همدلی تا پیش از نوروز، از سوی کانون اجرا می شود. به ۲۵۰ دختر کیسه خالی نذری داده می شود و هر کدام از آن ها برای کمک به خانواده های بی بضاعت، یک نوع ماده غذایی در کیسه می گذارند. از خیران محله هم کمک گرفته می شود و همه این مواد غذایی تا پیش از نوروز به دست خانواده های می رسد.

نمایشی آیینی که رتبه برتر استان شد

مسئولیت رده سنی حساس سیزده تا شانزده سال را که اوج گذر از نوجوانی و رسیدن به سن جوانی است، مانده فریبری و فاطمه الماسی عهده دار هستند. مانده تحصیلات دانشگاهی مشاوره دار دو او هم مثل دیگر دوستانش ساکن همین محله است. در این رده سنی حدود بیست نفر شرکت می کنند. مادر برنامه های مناسبی، آمار حضور دختران در این سنین افزایش می یابد و حضور پررنگ تر می شود. دعوت از استادان و مشاوران برای پاسخ به شبهاتی که برای دختران نوجوان ممکن است پیش بیاید، موضوع دیگری است که از سوی مسئول رده سنی سیزده تا شانزده سال مطرح می شود. «هنگام دعوت از استادان دقت می کنیم شخصیتی باشد که راه های برقراری ارتباط با نوجوانان را بداند و در پاسخ دادن به شبهات، تسلط کافی داشته باشد.»



۱۵۰ نفر به صورت مستمر در برنامه های ما شرکت فعالانه دارند. برنامه ها هم به این ترتیب است که برای فصل مدارس، بعد از ظهرهای پنجشنبه و برای ایام تعطیلی مدارس، دوشنبه ها برنامه ریزی شده است. اما در غیر این دوروز برنامه های مناسبی نیز اجرا می کنیم.

گروه های سرود، افتخاری برای کانون

ریحانه روح آبادی دانشجوی رشته آموزش ابتدایی است. به گفته او محتوای انتخاب شده برای رده نونهالان بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب در سه عرصه خودسازی، تمدن سازی و جامعه پردازی چیده شده است. برنامه های آموزشی حلقه محور است و در هر حلقه بین ده تا پانزده نوجوان حضور دارند.



روح آبادی به تشکیل سه گروه سرود اشاره می کند که اجراهای این گروه ها افتخاری برای کانون بانوان حصان شد. «در حال حاضر در این رده سنی سه گروه سرود پیشرفته تشکیل شده است که صفر تا صد کارها از سرود، ملودی، آهنگ سازی و... با خود بچه ها و مربی آن ها خانم نرگس حقیقی است. تا الان دو سرود اختصاصی ویژه دختران حصان تولید شده است. این سرودها بعد از اجرا در محیط استودیو بارها از شبکه استانی و شبکه های سراسری یک، دو، پویا، افق و... پخش شده است.»

برنامه های آموزشی و تفریحی در کنار هم

زهران نصیری به همراه چند نفر از بانوان بنیان گذار و فعال مرکز حصان، منتظر ماه هستند. او درباره روایت تشکیل کانون در مسجد الغدیر می گوید: ما شش نفر دوست بودیم که دغدغه تربیت دینی و فرهنگی در حوزه دختران محله را داشتیم. برای همین بعد از چند جلسه گفت و گو، تصمیم به راه اندازی کانونی با برنامه های آموزشی و تفریحی باهدف تربیت دختران مؤمن و با اخلاق گرفتیم. به گفته نصیری، تشکیل کارگروه های آموزشی و تربیتی برای سه رده سنی شش تا هشت سال، نه تا دوازده و سیزده تا هفده سال، برگزاری اردوهای تفریحی نیم روزه، برگزاری مراسم اعتکاف، از جمله برنامه هایی است که در همین مدت کوتاه به همت اعضای کانون کلید خورده و اجرایی شده است.



۱۵۰ مخاطب فعال

حدیث کاظمی یکی دیگر از شش نفر بانی این کانون است که به همراه دوازده مربی رده سنی نه تا دوازده سال را مدیریت می کنند. کاظمی بایان اینکه در ابتدای فعالیت با بیست نفر شروع کردیم و الان به ۲۵۰ دختر کودک و نوجوان رسیده ایم، می گوید: از آمار ۲۵۰ نفره حداقل



از خواب و تفریحمان می زنیم

زهره و فاطمه جمعه پورزاده دو خواهر از محله عبدالمطلب هستند که از زمان شروع به کار فعالیت ها و برنامه های این کانون در آن حضور دارند. فاطمه شانزده سال را گذرانده است. او دانش آموز رشته ریاضی و فیزیک است. نظم و انضباط در کارها و آشنایی عمیق تر با ائمه اطهار (ع) از فرصت هایی بوده که کانون در اختیار او خواهرش گذاشته است. فاطمه و زهره هر دو از اعضای گروه نمایش آیینی بودند که ماه صفر گذشته در مسجد اجرا کرد. فاطمه که نقش حضرت ابوالفضل (ع) را داشت، درباره این تجربه می گوید: اجرای بچه ها



به قدری خوب بود که برنامه سه شب تمدید شد. گریه و احساسات تماشاگران، اشک ما را هم در می آورد، اما باید هر طور بود، خودمان را کنترل می کردیم. چون گریم سنگینی داشتیم که با گریه همه چیز به هم می ریخت. زهره که پانزده سال دارد، می گوید: در خانه ما پنجشنبه ها مختص نظافت و رسیدن به کارهای درسی بود. اما شوق بودن در کنار دوستانمان در کانون و حضور در نشست ها سبب شد از خواب و تفریحمان بزنیم تا بتوانیم به همه کارها برسیم. زهره ادامه می دهد: عزت نفس، خودباوری، تقویت اعتقادات و باورهای دینی از مزایای بودن در این جمع است. در کنارش تفریح و اردوهای نیم روزه هم هست که بسیار خاطره ساز و دل چسب است. به ویژه اردوهای خانوادگی مثل گشت و گذار خانوادگی در اردوگاه امام رضا (ع) بسیار خاطره انگیز بود.



خاطرات خوش نوروهای گذشته از زبان قدیمی محله احمدآباد

عمر قلک عیدی ۱۳ روز بود



سندوق
خاطرات

امید
محله

خوش نویسی، نوجوان محله عبدالمطلب
را با قرآن مانوس کرد

نوشتن کلمات نور

حسین برادران فرامحمد گردویی شانزده ساله بنا بود برای پر کردن اوقات فراغتش در کلاس خط حاضر نشود اما جذابیت خوش نویسی او را گرفت و با خودش پیش برد؛ به طوری که در حال حاضر استاد ممتاز خطاطی شناخته می شود. گردویی معتقد است که خوش نویسی علاوه بر زیبایی ظاهری به دلیل ارتباط با مظاهر دینی و اماکن مذهبی، هنری مقدس و معنوی است.

مرحله ابتدایی و متوسطه خوش نویسی را پشت سر گذاشتیم و سال گذشته موفق به گرفتن مدرک ممتاز خط نستعلیق و خط نسخ از انجمن خوش نویسان مشهد شدم.

● در کنار هنر خطاطی به فعالیت جانبی و هنر دیگری هم مشغول هستی؟

چون خوش نویسی هنر تجسم کلام وحی است، با قرآن و حوزه آموزش های قرآنی ارتباط بیشتری دارم و در کلاس های قرائت قرآن و مجالس و محافل قرآنی حضور فعالی دارم. خدا را شکر در این راه، موفقیت هایی نیز کسب کرده ام. مقام اول دانش آموزی در رشته قرائت قرآن دانش آموزان مدارس «سمپاد» کشور و مقام اول قرائت قرآن مؤسسه صراط و شهاب الرضا^(ع) از جمله افتخارات قرآنی من است.

● اوقات فراغت را چگونه می گذرانی؟

بیشتر اوقات فراغت من به خوش نویسی اشعار شاعران زبان فارسی مثل فردوسی، مولانا، حافظ و سعدی می گذرد. برای نوشتن این اشعار، دیوان شاعران مختلف را خوانده ام و علاقه ام به کتاب و کتاب خوانی بیشتر و بیشتر شده است.



● چطور با خوش نویسی آشنا شدی؟

کلاس چهارم بودم. عمویم از برگزاری کلاس های خوش نویسی استاد حسین قائمی در مسجد محلمان خبر داشت. او پیشنهاد کرد ثبت نام کنم. از تعطیلات تابستان همان سال به بعد، دیگر ارتباطم با کلاس خوش نویسی قطع نشد.

● در چه مرحله ورتبه ای از هنر خوش نویسی قرار داری؟

سیرجانی از قدیمی های محله احمدآباد است و نزدیک به نیمی از عمرش را در این محدوده گذرانده است. سمیه نجات زادگان، ساکن خیابان ابوذر، متولد سال ۱۳۳۷ است. او که بیش از شصت بهار را پشت سر گذاشته، در طول عمر، دو رمضان را در عید نوروز تجربه کرده است.

● ۲۰ رمضان در نوروز را دیده ام

سمیه خانم تعریف می کند هر ۳۳ سال یک بار این اتفاق می افتد که ماه مبارک و نوروز هم زمان باشد. یک سالش را که خوب در خاطر هست. ما از یک ماه مانده به نوروز خانه تکانی عید را شروع کردیم، چون آن سال دو عید داشتیم، یکی عید نوروز و یکی عید رمضان.

قدیمی محله احمدآباد از اتاق دو لنتی می گوید که سفره بزرگی از این سراتاق تا آن سرش پهن می شد. توی سفره چند ظرف شیرینی و میوه و آجیل و شکلات به فاصله گذاشته می شد و البته کتاب قرآنی که لای آن، عیدی های تانخورده به رسم تبرک گذاشته می شد. اما در این اتاق تا شب و بعد از افطار و آمدن میهمان ها بسته بود.

● پذیرایی های متفاوت

او از سفره دار بودن پدرش می گوید و اینکه میهمانان نوروزی ماه مبارک برایش خاص تر و عزیزتر بودند؛ «مرحوم پدرم آدم بسیار معتقدی بود و افطاری دادن را دوست داشت. از طرفی معتقد بود رسم و رسوم ماه مبارک و دادن افطاری، جای خود را دارد و نوروز و دید و بازدیدهای نوروزی و پذیرایی اش جای خود. برای همین آن اتاق میهمان خانه باید در ماه مبارک مفصل تر از هر سال آماده می شد. میهمان ها بعد از باز کردن روزه و یک ساعتی نشست و خوش و بش کردن، تازه برای پذیرایی عیدانه به اتاق میهمان خانه دعوت می شدند. این طور نبود که دید و بازدیدهای نوروزی مثل الان به نیم ساعت نشست و دور هم بودن ختم شود و همان فاصله نیم ساعته دید و بازدید سر میهمانان در گوشی هایشان باشد. حرف بود و خنده و شادی که تمام خانه را پر می کرد.»

رفتن به نوروهای قدیمی و زنده کردن خاطرات خوش کودکی، خنده را بر گوشه لبان سمیه خانم می نشانند. او که حالا خودش چند فرزند و نوه دارد، از میهمانی های جداگانه بچه ها در گوشه ای از باغچه کنار حوض می گوید و خاطرات خوشی را در ذهنش مزمزه می کند؛ «حیات خانه ما خیلی بزرگ بود. چهار باغچه مربع شکل که وسطش حوض گردی قرار داشت. گلدان های پر گل شمعدانی دور تادور حوض چیده شده بود و ماهی ها به این طرف و آن طرف می رفتند. من و خواهر و برادرهایم برنامه پذیرایی جداگانه ای برای خودمان داشتیم. یک زیرانداز می زدیم زیر بغلمان و یک مجمع مسی از انواع خوراکی های سفره نوروز و بساط عیدانه پر می کردیم تا به بچه های میهمان ها در کنار حوض آب حسابی خوش بگذرد. دور هم که جمع می شدیم هر کدام با ذوق از عیدی های که گرفته بودیم، حرف می زدیم. ما عیدی ها را در قلک های سفالی می ریختیم و بعد از روز سیزده آن را می شکستیم تا ببینیم چقدر عیدی جمع کرده ایم.»

سمیه خانم از به خاطر آوردن نوروهای کودکی حسابی سرکیف می شود و از ته دل می خندد.

● بهترین خاطرات را در این باره برایمان بگو.

همراه استاد قائمی در ورک شاپ خوش نویسی در شهرستان بینالود شرکت کرده بودم. بسیاری از دوستان خوش نویسی آمده بودند. برخی در کنار تماشای تابلوهای خطاطی شده می خواستند شعر یا مطلبی را با خط خوش بنویسیم و به آن هابدهیم. من باید فی البداهه و در همان جا مطلبی را می نوشتم. چون اولین بار بود که این کار را انجام می دادم، کمی نگران بودم. استادم به کمک آمد و با راهنمایی هایش باعث شد به خودم مسلط شوم. بعد از آن چند ورک شاپ شخصی را به تنهایی برگزار کردم.



منطقه



محلات منطقه‌ها:

۱: احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاده، آبکوه، ارشاد، صاحب الزمان (عج)، سعیدآباد، شهید کلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر

۲: زکریا، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، ایثارگران، قدس، حضرت ابوطالب، هنرور، سمرقند، آیت... عبادی، شهید فرامرزی عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، حضرت عبدالملک، شفا، شهید مطهری، عامل، حسین باشی و کاشانی

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سرمدبیر: سید سجاده طلوع هاشمی
دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهرآرا محله منطقه ۱ و ۲: مصطفی بهشتی
تلفن شهرآرا محله منطقه ۱: ۳۸۶۸۰۵۶۶
تلفن دفتر شهرآرا محله منطقه ۱ و ۲: ۳۱۲۹۶۳۶۸

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
دفتر منطقه ۱: بولوار دانشجو، دانشجو ۲۹، فرهنگسرای ترافیکی، طبقه همکف
دفتر منطقه ۲: سجاده ۷، مجموعه ورزشی شهید نیکنام
سایت مشهدچهره: mashhadchehreh.shahraraneews.ir
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraraneews.ir

منطقه ۲

همدم گل‌ها



محبوبه فرامرزی آقا ذوالفقار ۱۰ سال می‌شود که نیروی فضای سبز شهرداری منطقه ۲ است. حصاری چندروز دیگر با شروع سال جدید شمع چهل و نه سالگی اش را فوت می‌کند. شاید اگر سروصدای دستگاه پریس اعصابش را خراب نمی‌کرد، هنوز در شرکت ایمن گاز پای دستگاه بود، اما اوضاع سرسام آور آنجا حسابی کلافه‌اش کرده بود. طوری که هرروز در خانه بی‌حوصله بود. علاقه‌اش به گل و گیاه باعث شد از آن شرکت بیاید بیرون و همدم گل‌ها شود. حالا صبح تا شبش در کنار درخت و سبزه و گل می‌گذرد.



ساعت کار ذوالفقار حصاری از ۶ صبح شروع می‌شود و تا ۲ ظهر ادامه دارد. ساعت ۹ اجازه دارند نیم ساعت صبحانه بخورند و نفسی تازه کنند. این روزها اما با طرح استقبال از بهار سرش حسابی شلوغ است و تا ۴ عصر مشغول کارند.



حمید جلابی و آقا ذوالفقار از همان روزهای اول کار کنار هم بوده‌اند. همدم یکدیگرند و از جیک و پوک هم باخبرند.



آقای حصاری وسط لوله متر اژن نشسته و باید در هر متر مربع شصت گل میناچمنی و بنفشه بکارد. او اول با بیل زمین را زبرور کرده و بعد با شن کش زمین را صاف و برای کاشت آماده می‌کند؛ سپس بار یسمان محدوده کاشت را مشخص می‌کند.

۴

این باغچه دوروز پیش کاشته شده است. گل‌هایش زمان کاشت کمی بی‌حال بودند. اما نور خورشید و دست‌های پرمهر آقا ذوالفقار و دوستش باعث شده است حسابی جان بگیرند.

۲

۳

۵



۶

با ۸ تا ۹ میلیونی که او حقوق می‌گیرد، امورات همسر و چهار فرزندش نمی‌گذرد؛ به همین دلیل وقتی کارش تمام می‌شود، به بولوار شاهنامه می‌رود و به هشت باغی که باغبانی‌اش را به عهده دارد، رسیدگی می‌کند.

هر فصلی از سال آقا ذوالفقار کار مشخصی دارد. بهار به چمن زنی و کوتاه کردن شمشادها می‌گذرد؛ تابستان‌ها به کاشت گل‌های فصلی و زمستان‌ها هم کوددهی و هرس درخت‌ها. به قول خودش هیچ وقت سال بیکار نیست.

